



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

تخریب مراتع؛ حیات وحش به عنوان شاخص تخریب کارکردهای زیستگاهی مراتع

فرج الله ترنیان^۱ و زهرا اسدالهی^۲

^۱ استادیار دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه لرستان، گروه مرتع و آبخیزداری؛ f.tarnian@yahoo.com

^۲ استادیار دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه لرستان، گروه محیط زیست

چکیده

اکوسیستم‌های طبیعی در ایران طی چند دهه گذشته نه تنها به عنوان بوم، مکان زندگی، یعنی خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم دیده نشده‌اند؛ بلکه تنها با نگاه انبار تولید مورد توجه قرار گرفته‌اند که این دیدگاه تولید محور، تخریب در سطوح وسیع را به دنبال داشته است که دامن آب، خاک، پوشش گیاهی و جانوری و حتی هوای کشور را گرفته است. نتیجه عدم توجه به کارکردها و خدمات زیستگاهی اکوسیستم‌های مرتعی، از بین رفتن حیات وحش (به‌خصوص کل و بز و قوچ و میش) است. این تحقیق تلاش می‌کند تا روند از بین رفتن این گونه‌های حیات وحش را از سال ۱۳۰۰ تا امروز، به صورت مصاحبه با افراد محلی و مطالعات اسنادی در بخش سوسن از شهرستان ایذه و به عنوان بخشی از جنگل‌های زاگرسی، مورد بررسی قرار دهد. نتایج نشان داد که کل و بز و قوچ و میش تا دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به صورت گله‌هایی با تعداد متفاوت در مراتع وجود داشتند؛ ولی در دهه ۱۳۶۰ دیگر اثری از آنها در مراتع دیده نشد. اگرچه نتایج مصاحبه نشان داد که عامل اصلی از بین رفتن حیات وحش، شکار بی‌رویه بوده است؛ ولی برخی از مصاحبه شونده‌گان به نبود علوفه و تخریب زیستگاه حیات وحش توسط انسان اشاره داشتند. بطور کلی این تحقیق نشان داد که در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ احتمالاً بین جمعیت‌های انسانی، حیات وحش و حیوانات اهلی تعادل منطقی برقرار بوده است به نحوی که خبری از علوفه دستی برای دام نبوده است؛ ولی با آمدن تکنولوژی و افزایش جمعیت در دهه ۱۳۵۰ روند تخریب سریعتر گردید و در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ تخریب مراتع به اوج خود رسید و تا امروزه ادامه دارد.

کلمات کلیدی: کل، بز، قوچ، میش، تخریب مراتع، تکنولوژی.



مقدمه

بر هیچ کس پوشیده نیست که محیط زیست ایران، طی چند دهه گذشته دستخوش تخریب‌های زیادی از قبیل از بین رفتن حیات وحش، پوشش گیاهی مراتع و جنگل‌ها، فرسایش خاک، آلودگی آب و هوا شده است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل تخریب اکوسیستم‌های طبیعی غلبه دیدگاه تولید محور (یعنی حد اعلای تولید) بر دیدگاه اکوسیستم محور (توجه به تمامی اجزاء اکوسیستم نه فقط تولید در جهت تأمین نیاز انسانی) بوده است. انسان از راه تولید اکوسیستم‌های ویژه‌ای همانند زراعت که معمولاً تک کشت می‌باشند به نگهداری آن‌ها در مراحل اولیه جایگزینی جامعه همت می‌گمارد؛ یعنی آن‌ها را به صورت اگر اکوسیستم اداره می‌کند و به هر موجودی به غیر از موجود کشت شده به عنوان هرز، آفت و بیماری‌زا نگاه می‌کند و شدیداً آن‌ها را با روش‌های خودساخته دفع می‌کند (میمندی‌نژاد ۱۳۹۱). در صورتی که در اکوسیستم‌های طبیعی که دائماً در حال رشد و تکامل می‌باشند؛ تنوع گیاهی و جانوری ضامن حفظ و بقای اکوسیستم است. بنابراین باید توجه داشت که تکامل بوم شناختی متضمن حفظ و بقای اکوسیستم است؛ ولی اهداف آدمی در جهت حداکثرسازی تولید در واحد سطح است؛ که این دو دیدگاه در تعارض آشکار می‌باشند. شناخت بوم‌شناسی تعارض بین انسان و طبیعت، اولین قدم در راه تدوین سیاست‌های عقلایی استفاده از سرزمین است (میمندی‌نژاد، ۱۳۹۱). اکوسیستم‌های طبیعی در ایران طی چند دهه گذشته نه تنها به عنوان بوم، مکان زندگی، یعنی خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم دیده نشده‌اند بلکه تنها با نگاه انبار تولید مورد توجه قرار گرفته‌اند که این دیدگاه تولید محور، تخریب در سطوح وسیع را به دنبال داشته است که دامن آب، خاک، پوشش گیاهی و جانوری و حتی هوای کشور را گرفته است. به عبارت دیگر، فرآیندهای هیدرولوژیکی، تبادلات گازی و دیگر کارکردها و خدمات اکوسیستم همانند چرخه مواد غذایی که موجب ثبات در اکوسیستم می‌شوند؛ نادیده گرفته شده است. ذکر این نکته ضروری است که اکوسیستم‌ها به طور همزمان خدمات چندگانه‌ای را به جوامع انسانی عرضه می‌دارند که به منظور ایجاد ارتباط بین خدمات اکوسیستم و رفاه انسانی می‌توان آن‌ها را در چهار طبقه خدمات فراهم‌سازی^۱، تنظیمی^۲، فرهنگی^۳ و زیستگاهی^۴ (جدول ۱) دسته‌بندی نمود (TEEB, 2010). افراد در طول زمان با تلاش بسیار، عرضه خدمات چندگانه اکوسیستم را به



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

نفع خدمات مورد نظر خود اصلاح کرده‌اند (دیدگاه تولید محور). این تلاش‌ها اغلب این واقعیت را نادیده می‌گیرند که اکوسیستم‌ها همزمان خدمات چنگانه را فراهم می‌کنند که به طرق پیچیده و پویا به هم وابسته‌اند (دیدگاه اکوسیستم محور).

جدول ۱- طبقه‌بندی خدمات اکوسیستم (تیب، ۲۰۱۰)

خدمات فراهم سازی	
۱	غذا (ماهی، شکار، میوه)
۲	آب (برای آشامیدن، آبیاری، خنک سازی)
۳	مواد خام (فیبر، چوب، کود، علوفه)
۴	منابع ژنتیکی (برای اهداف پزشکی و بهبود محصول)
۵	منابع دارویی
۶	منابع تزئینی (گیاهان زینتی، حیوانات دست آموز)
خدمات تنظیمی	
۷	تنظیم کیفیت هوا
۸	تنظیم اقلیم
۹	تعدیل وقایع شدید (جلوگیری از سیل و حمایت در مقابل طوفان)
۱۰	تنظیم جریان آب (زهکشی طبیعی، آبیاری و جلوگیری از خشکسالی)
۱۱	تصفیه مواد زائد (تصفیه آب)
۱۲	جلوگیری از فرسایش
۱۳	حفظ حاصلخیزی خاک (تشکیل خاک)
۱۴	گرده افشانی
۱۵	کنترل زیستی (کنترل آفات و بیماری‌ها، انتشار بذر)



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

خدمات زیستگاهی

۱۶ حفظ چرخه زندگی گونه‌های مهاجر

۱۷ حفظ تنوع ژنتیکی (حفظ سرمایه ژنتیکی)

خدمات فرهنگی

۱۸ کسب تجربیات و اطلاعات زیبایی‌شناختی

۱۹ فرصت‌هایی برای تفریح و گردشگری

۲۰ منبع الهام برای فرهنگ، هنر و طراحی

۲۱ تجربه معنوی و روحی

۲۲ اطلاعات و تجربیات کسب شده در جهت افزایش درک و شناخت و رشد فکری افراد

اگر چه مثال‌های تخریب در ایران آنقدر زیاد می‌باشند که نیازی به ذکر همگی آن‌ها وجود ندارد؛ ولی در این مقاله در مورد بخش مهمی از اکوسیستم‌های مرتعی صحبت خواهد شد که از بین رفته و در مطالعات نادیده گرفته شده است. این جزء نادیده گرفته شده، حیات وحش در مراتع ایران است. طی دهه‌های گذشته مراتع ایران جولانگاه کل و بز و قوچ و میش و انواع حیوانات وحش و پرند بوده است ولی امروزه تنها تعداد محدودی از آن‌ها را می‌توان در مناطق حفاظت شده دید. این موضوع نشان می‌دهد که به چه میزان کیفیت محیط زیست و حتی کیفیت زندگی انسان‌ها کاهش یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که در آمریکا طی ۸۰ سال یعنی از سال ۱۹۲۰ تا سال ۲۰۰۰ جمعیت آنتی لوب شاخ چنگالی از حدود کمتر از ۲۵۰۰۰ رأس به حدود بیش از ۷۵۰۰۰۰ هزار رأس، یا جمعیت گوزن دم سفید از حدود کمتر از ۵۰۰۰۰۰ رأس به ۳۰ میلیون رأس رسیده است. جمعیت الک امریکای شمالی (نوعی گوزن) در سال ۱۳۲۰ حدود ۱۰۰ هزار رأس بوده ولی در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۵۰۰ هزار رأس رسیده است (مصادقی، ۱۳۸۸). متأسفانه در مراتع ایران این جزء اکوسیستم‌های مرتعی تنها به مناطق حفاظت شده محدود می‌شوند. باید توجه داشت که اگر چه این موضوع از نظر اکولوژیکی بسیار با ارزش است؛ از نظر اقتصاد بازاری نیز با ارزش است. مطالعات نشان داده است که در تگزاس در یک دوره مطالعه شش ساله درآمد حاصل از یک واحد دامی از گوزن (یک واحد دامی برابر با ۶ گوزن است)، معادل ۳۸/۶۰ دلار



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

است در صورتی که درآمد حاصل از یک گاو (معادل یک واحد دامی) ۲۸/۲۲ دلار بوده است. در مطالعه‌ای در تگزاس در ایستگاه تحقیقاتی سونرا در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵، درآمد خالص از هر گوزن شکار شده بیش از ۵۰ دلار بوده است (مصادقی، ۱۳۸۸). این منبع بیان می‌دارد که در سال‌های اخیر، دامداران تگزاس مرکزی از مراتع مورد استفاده گوزن دم سفید از هر ایکر ۱۰ تا ۱۵ دلار درآمد خالص داشته‌اند؛ در حالیکه مراتع تحت چرای دام‌های اهلی از هر ایکر ۶ تا ۸ دلار درآمد خالص داشته‌اند. بنابراین حیات وحش جزء مهمی از مراتع محسوب می‌شود و از نظر اقتصادی اگر برابر با دام‌های اهلی سود نداشته باشد؛ کمتر از آن‌ها نیست. در این مطالعه که به صورت مصاحبه با افراد محلی صورت گرفته است به صورت کیفی روند از بین رفتن این گونه‌های جانوری از حیات وحش را از سال ۱۳۰۰ تا امروز مورد بررسی قرار داده شده است.

مواد و روش‌ها

این مطالعه در استان خوزستان، شهرستان ایذه، بخش سوسن صورت گرفته است. تپ پوشش گیاهی غالب منطقه بلوط با زیر اشکوب گیاهان علفی یکساله است. ساکنان منطقه از ایل بختیاری می‌باشند و شغل آن‌ها دامداری و کشاورزی است. بر اساس آمار بارندگی ۱۲ ساله از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ متوسط بارندگی سالیانه آن برابر با ۶۹۴/۱ میلی‌متر و متوسط درجه حرارت آن برای این بازه زمانی برابر با ۲۱ درجه سانتی‌گراد است. از ده نفر از ساکنان منطقه که سن آن‌ها بالاتر از ۵۰ سال بود و اقدام به شکار کل و بز و قوچ و میش کرده بودند و اطلاعات کافی در مورد تغییرات ایجاد شده در منطقه داشتند؛ مصاحبه به عمل آمد. سؤالات اصلی مصاحبه شامل (۱) چه زمانی کل و بز و قوچ و میش در منطقه زیاد بودند؛ (۲) چه عامل یا عواملی باعث از بین رفتن آن‌ها شد؛ (۳) چه زمانی آن‌ها شروع به دادن علوفه دستی به دام‌های خود کردند؛ (۴) چه زمانی تراکتور و کود شیمیایی وارد منطقه گردید و (۵) آیا حیات وحش دوباره به مراتع باز خواهند گشت؟

نتایج

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تا دهه‌های ۱۳۳۰ و دهه ۱۳۴۰ تعداد حیات وحش به خصوص کل و بز و قوچ و میش به صورت گله‌هایی با تعداد مختلف (در یک مورد تا ۶۰ رأس کل و بز) در منطقه دورک از بخش سوسن دیده شده است. بعد از دهه ۱۳۴۰ حیات وحش رو به کاهش گذاشته است و نتایج مصاحبه نشان داد که در دهه ۱۳۵۰ حیات وحش بزرگ در مراتع به صورت



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

پراکنده مخصوصاً در مناطقی که کمتر در دسترس انسان قرار داشت؛ وجود داشتند؛ ولی در دهه ۱۳۶۰ تقریباً دیگر اثری از حیات وحش بزرگ در منطقه دیده نشده است. البته لازم به ذکر است که بعضی از گونه‌های موجود در مناطق حفاظت شده به صورت کاملاً اتفاقی وارد مراتع منطقه شده‌اند؛ ولی آنچنان اثری محسوسی از آن‌ها وجود ندارد. مشخص نیست که آیا شکار شده‌اند و اگر شکار شده‌اند چه کسی آن‌ها را شکار کرده است. دامداران منطقه تا اوایل دهه ۱۳۶۰ تقریباً هیچ گونه علوفه دستی به دام‌های خود نداده‌اند؛ مگر به صورت محدود در روزهای خاص که خشکسالی یا ترسالی شدید وجود داشت. در این زمان کاه و کلش در مزارع بلا استفاده باقی می‌ماند و یا آن‌ها را آتش می‌زدند. به قول یکی از مصاحبه شونده‌ها در این زمان «پیار»^۱ در مراتع باقی می‌ماند و پوسیده می‌شد. از اواخر دهه ۱۳۶۰ دامداران شروع به استفاده از علوفه دستی که عمدتاً کاه و جو بود؛ نمودند که تا امروزه ادامه دارد. لازم به ذکر است که امروزه در منطقه مورد مطالعه مانند اکثر مناطق ایران، دامداران هیچ اصول اکولوژیکی مربوط به چرا را رعایت نمی‌کنند و از زمانی که علوفه شروع به رشد می‌کند تا زمانی که دیگر هیچ اثری از آن روی زمین نیست که مصادف با پاییز است؛ دام از مرتع استفاده می‌کند. دام زمانی از مرتع خارج می‌شود که دیگر چیزی برای خوردن وجود نداشته باشد. اگر چه نتایج مصاحبه نشان داد عامل اصلی از بین رفتن حیات وحش، شکار بی‌رویه بوده است؛ ولی بعضی از آن‌ها به نبود علوفه و اشغال شدن زیستگاه آن‌ها توسط انسان اشاره کردند. نتایج نشان داد که تراکتور در سال ۱۳۵۵ وارد منطقه گردیده است و کود شیمیایی در سال ۱۳۵۸ یا ۵۹ مورد استفاده قرار گرفت. در مورد سؤال آخر همه مصاحبه شونده‌ها پاسخ دادند؛ بعید به نظر می‌رسد و بیشتر آن‌ها دلیل آن را شکار توسط افراد و همچنین نبود علوفه برای استفاده بیان کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان طور که بیان شد در ایران به منابع طبیعی به عنوان یک انبار تولید نگاه شده است. در صورتی که وقتی صحبت از اکوسیستم مرتعی و مدیریت آن می‌شود؛ یعنی باید بین همه اجزای آن یعنی آب، خاک، گیاه، جانوران و انسان، یک رابطه معقول و منطقی وجود داشته باشد. نتایج حاصل از این مطالعه و مطالعات دیگر در بخش‌های آب، فرسایش خاک، پوشش گیاهی و غیره نشان می‌دهد که

^۱ پیار (Piar) لغتی با گویش بختیاری است که به معنی کاه و کلش باقی مانده در مراتع بعد از چرای دام است. این جمله نشان می‌دهد که در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ اصول چرای (حداقل حد بهره‌برداری مجاز) به صورت ناخودآگاه در منطقه رعایت می‌شده است که کاه و کلش در مراتع باقی می‌ماند و پوسیده می‌شد. امروزه بعد از چرای دام تقریباً هیچ کاه و کلشی در مراتع باقی نمی‌ماند.



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

ما نتوانسته‌ایم؛ رابطه معقول و منطقی بر اساس اصول اکولوژیکی و دیدگاه تولید در حد اعلاای آن با طبیعت برقرار کنیم و همین عامل باعث تخریب محیط زیست گردیده است.

نتایج این مطالعه نشان داد که تا دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بین جمعیت‌های انسانی، حیات وحش و دام‌های اهلی رابطه معقول و منطقی برخوردار بوده است. این خود نشان دهنده این نکته است که در آن زمان علوفه به اندازه کافی در مراتع وجود داشته است تا هم دام‌های اهلی و هم دام‌های وحشی بتوانند از آن استفاده کنند. باید توجه داشت که در این زمان دادن علوفه دستی به دام‌ها مرسوم نبوده است و همه دام‌های وحشی و اهلی فقط از مراتع استفاده می‌کرده‌اند. اگر چه پابو در سال ۱۳۳۸ وارد ایران گردیده و گزارشات زیادی در مورد تخریب پوشش گیاهی ایران ارائه داده است (شیدایی ۱۳۴۸)؛ ولی شاید بتوان گفت که در این زمان یعنی در دهه ۱۳۳۰ و یا حتی دهه ۱۳۴۰ مراتع مناطق مورد تحقیق در حد بهره‌برداری مجاز مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

نتایج سه ازدواج (بدون در نظر گرفتن محل زندگی افراد خانواده در حال) که در دهه ۱۳۴۰ در منطقه مورد مطالعه اتفاق افتاده است؛ نشان می‌دهد که بعد یک خانوار تا اواخر دهه ۱۳۶۰، چهار برابر، دیگری ۴/۵ برابر و آخری ۳/۵ برابر شده است. متوسط این سه خانوار افزایش ۴ برابری جمعیت منطقه از دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۶۰ را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد در منطقه مورد مطالعه جمعیت در بین این دو دهه، به طور متوسط رشدی حدودی ۳ برابری را طی کرده باشد. با توجه به سرشماری سال ۱۳۴۵ که جمعیت ایران حدود ۲۶ میلیون نفر و سال ۶۵ برابر با ۴۹/۴ میلیون نفر شده (سایت رسمی آمار ایران)، رشدی دو برابری را تجربه کرده است.

تعداد دام وابسته به مراتع ایران در سال‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰، ۱۳۴۰، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۲ برابر با ۲۷، ۳۰، ۳۶، ۴۳، ۶۹ و ۷۵ میلیون رأس دام گوسفند و بز برآورد شده است (جوانشیر، ۱۳۷۸). امروزه ظرفیت مراتع کشور را بین ۳۸ تا ۴۰ میلیون واحد دامی بیان کرده‌اند. از این آمار می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تا آخر دهه ۱۳۴۰ تعداد ۴۱ میلیون رأس دام گوسفند و بز در ایران وجود داشته است که تقریباً با واحد دامی تخمین زده شده مجاز هم‌خوانی دارد. نتایج نشان داد که دامداران از اواخر دهه ۱۳۶۰ شروع به دادن علوفه دستی به دام‌های خود کرده‌اند و قبل از این دهه فقط در زمان‌های خاص علوفه دسته در سطح محدودی به دام‌های خود می‌دادند. در این زمان تعداد دام موجود در مراتع ایران برابر با ۷۳ میلیون واحد دامی گزارش شده است که شدت چرا را نسبت به دهه ۴۰، ۱/۸ برابر نشان می‌دهد. بنابراین با این شدت چرا و افزایش جمعیت دیگر علوفه‌ای برای حیات وحش و مکانی برای زیستگاه آن‌ها باقی نمی‌ماند. به نظر می‌رسد که بیشترین تخریب از دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ شروع شده است و امروز مقداری فشار از روی



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

طبیعت در موارد خاص برداشته شده است ولی هنوز تخریب ادامه دارد. به قول یکی از مصاحبه شونده‌ها زمین کیفیت خود را از دست داده است و توانایی پرورش گیاه به مانند دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ را ندارد. ۴۶ میلیون دام غیر مجاز در مراتع، سهم پوشش گیاهی برای جلوگیری از فرسایش خاک، علوفه حیات وحش، سلامت چرخه هیدرولوژیک و تبدلات فرآیندهای گازی و رشد و تغذیه گیاه در اکوسیستم‌های مرتعی را مصرف می‌کنند. باید توجه کرد اگر زمانی تخریب در اثر بوته کنی و نبود تکنولوژی در ایران بود ولی بعد از سال ۱۳۵۵ با ورود تراکتور و سال ۱۳۵۸ یا ۵۹ با ورود کودهای شیمیایی، یعنی با ورود تکنولوژی در منطقه مورد مطالعه تخریب دوچندان شد؛ دقیقاً همانند آنچه در مورد پمپاژ آب زیرزمینی و کشت گندم اتفاق افتاده است؛ چرا که مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت دام از ۴۳ میلیون رأس دام تقریباً مجاز در سال ۱۳۵۵ به ۶۹ میلیون رأس در سال ۱۳۶۵ رسیده و در سال ۷۲ به ۷۵ میلیون رأس رسیده است. به احتمال زیاد، عامل اصلی افزایش تعداد دام، رشد تولیدات کشاورزی بوده است و به دامداران این امکان را داده است که بتوانند محدودیت‌های کمبود علوفه که در قبل کنترل کننده جمعیت دام بود را از بین ببرند. در این زمان با افزایش محصولات کشاورزی و همزمان افزایش جمعیت (اوج افزایش جمعیت در بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به تعداد تقریباً ۱۶ میلیون نفر بوده است، سایت رسمی آمار ایران) که نیاز به مواد غذایی را بیشتر می‌کرد؛ تعداد دام به صورت تورمی افزایش پیدا کرد و ۴۶ میلیون دام غیر مجاز نه تنها محصولات کشاورزی را مصرف کردند؛ بلکه ۶۰ درصد علوفه‌ای که می‌بایست در مراتع برای خدماتی غیر از تولیدات دامی باقی می‌ماند را مصرف کردند و وضعیت حال را رقم زده‌اند. با توجه به شواهد به نظر می‌رسد جمعیت دهه ۱۳۴۰، ارتباط مسالمت‌آمیزی با طبیعت نسبت به دهه‌های بعدی داشته‌اند و در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شدت تخریب به حداکثر خود رسیده است. اگر بگوییم همان‌گونه که تنفس جنگل در جنگل‌های شمال ایران در حال اجرا است باید تنفس مرتع هم برای چندین سال به منظور احیا و بازسازی مراتع صورت گیرد، حرفی به گزاف نگفته‌ایم. لازم به ذکر است که چندین دهه است که زادآوری در رویشگاه‌های زاگرسی کشور که منبع تولید آب بخش عمده‌ای از ایران است به صفر رسیده است و اکنون نیز به خشکیدگی دچار شده‌اند که ممکن است حاصل عملکرد ما باشد.

همان‌گونه که بیان شد دو دیدگاه اکولوژیکی و دیدگاه انسانی در حداکثر تولید در واحد سطح در تناقض آشکار می‌باشند. هنر انسان امروزی این است که بین این دو دیدگاه یک رابطه معقول و منطقی برقرار سازد. میمندی نژاد (۱۳۹۱) بیان می‌دارد که غیر ممکن است دو نوع استفاده متضاد در یک اکوسیستم را مورد هدف قرار داد و از آن‌ها انتظار حداکثر تولید داشت. برای حل این مشکل دو راه را پیشنهاد داده است. یکی آنکه دائماً کمیت عملکرد و کیفیت محیط زیست را با هم تلفیق کنیم و سازشی بین آن‌ها به



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

وجود بیاوریم و دیگر اینکه با نقشه سنجیده‌ای، زمین را تقسیم‌بندی کنیم و برخی قسمت‌ها را برای کشاورزی حاصلخیز، نگه داریم و قسمت‌های دیگر را به روش خاصی محافظت کنیم. بدون شک ما به همان اندازه که در اکوسیستم‌های کشاورزی دستکاری ایجاد کرده‌ایم؛ کافی است و باید از اکوسیستم‌های مرتعی و جنگلی محافظت شود؛ همانند آنچه امروزه در کشورهای توسعه یافته دیده می‌شود. بنابراین برای اینکه دوباره کل و بز به مراتع ایران برگردد نیاز است؛ محصولات کشاورزی بیش از نیاز جامعه انسانی تولید شود و رفاه متوسط جامعه به اندازه‌ی متوسط در کشورهای پیشرفته بالا رود و از نظر فرهنگی، مردم طبیعت را بخش جدای ناپذیر خود بدانند و درک کنند که در اکوسیستم‌های طبیعی هیچ چیزی هدر نمی‌رود.

منابع

- جوانشیر، ک.، ۱۳۷۸. تاریخ علوم منابع طبیعی ایران. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، گروه علوم کشاورزی. ۴۷۰ ص.
- سایت رسمی آمار ایران، www.amar.org.ir.
- شیدایی، گ.، ۱۳۴۸. توسعه و اصلاح مراتع ایران از طریق مطالعات بوتانیکی و اکولوژیکی. گزارش نهایی هانری پابو. وزارت منابع طبیعی ایران.
- مصادقی، م.، ۱۳۸۸. اصول و روش‌های مرتعداری (ویرایش پنجم ترجمه کتاب جری ال. هولچک، رکس دی. پایپر و کارلتون اچ. هربل). مرکز نشر دانشگاهی، ۷۳۸ ص.
- میمندی نژاد، م. ج.، ۱۳۹۱. شالوده بوم‌شناسی (ترجمه کتاب یوجین پ. اودوم). انتشارات دانشگاه تهران، ۸۰۸ ص.
- TEEB, 2010. The Economics Of Ecosystems And Biodiversity: Ecological And Economic Foundations. In: Pushpam Kumar (Ed.), Earth scan, London and Washington.



Rangeland degradation; wildlife as an indicator of the degradation of rangeland habitat functions

Farajollah Tarnian¹ and Zahra Asadollahi²

¹Assistant Prof ., Department of Range and Watershed Management, College of agriculture and natural resources, Lorestan University,

College of agriculture and natural resources, Lorestan ., Department of Environment .Assistant Prof ²
University

Abstract

Iran's natural ecosystems have not been seen as a living place over the past decades, but we saw them only as a source of production. This production-centric view has led to massive destruction on water, soil, vegetation, animals, and even the air. The result of the lack of attention to the functions and services of rangeland ecosystems is the elimination of wildlife (especially wild goats, and ewes). This research attempts to investigate the trend of the disappearance of these wildlife species from 1300 to today, in an interview with local people and documentary studies in Susan district of Izeh as a part of Zagros forests. The results showed that wild goats and rams and ewes existed in the rangelands until the 1930s and 1340s, but in the 1360s there was no existence of them on the rangelands. Although the results of the interview showed that hunting was the main cause of wildlife elimination, some interviewees referred to the lack of forage and the destruction of wildlife habitats by humans. In general, this research showed that in the decades of 1330 and 1340 there was probably a reasonable balance among human populations, wildlife and domestic animals somehow that was not animal feeding like today, but

هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷



with the advent of technology and population growth In the 1350s, the process of degradation became faster, and in the 1960s and 1370s, rangeland degradation peaked and continues to this day.

Keywords: total, goat, ram, ewe, rangeland degradation, technology.